

سایه خیانت زنانه در طلاق و جنایت خونین

10 تیر 1402

مردی زن سابقش را کشت و خودکشی کرد

مرد جوان وقتی به رابطه پنهانی زن مطلقه‌اش با دوست صمیمی خود پی برد تصمیم وحشتناکی گرفت. این مرد، زن جوان را به طرز فجیعی کشت و جسد وی را در حاشیه دماوند دفن کرد. قاتل سپس با خوردن قرص به استقبال مرگ رفته بود که معجزه‌آسا زنده ماند و بعد از بهبودی روانه زندان شد.

ناپدید شدن زن و شوهر مطلقه

عصر دوازدهم مرداد ماه سال ۱۴۰۱ مردی به پلیس آگاهی تهران رفت و از ناپدید شدن دختر ۳۹ ساله‌اش به نام مبینا و داماد سابقش به نام نادر خبر داد. وی گفت: دخترم و دامادم سال‌ها قبل با هم ازدواج کردند و صاحب دو دختر هستند. آنها مدتی پیش به خاطر اختلاف‌های شدید از هم جدا شدند. اما به خاطر دو دخترشان با هم در رفت و آمد بودند. دیروز دخترم همراه دامادم برای تفریح از خانه بیرون رفت اما دیگر بازنگشت. چند بار با تلفن همراه آنها تماس گرفتم اما هیچ خبری از آنها نیست. پدر شوهر سابق دخترم نیز خبری از آنها ندارد و حالا ما نگران آنها هستیم.

بازگشت معجزه‌آسا به زندگی

تلاش پلیس برای یافتن ردی از این زن و مرد آغاز شد. تا اینکه دو روز بعد مشخص شد نادر در بیمارستانی در شرق تهران بستری شده است. بررسی‌ها نشان می‌داد وی با خوردن قرص دست به **خودکشی** زده و نیمه جان در حاشیه خیابان پیدا شده و در تماس عابران با اورژانس به بیمارستان منتقل شده است. بدین ترتیب مأموران به پرس و جو از وی پرداختند. اما این مرد مهر سکوت بر لبش زد و درباره سرنوشت همسر سابقش حرفی نزد اما وقتی مأموران در بررسی خودروی وی با لکه‌های خون رو به رو شدند، وی بازداشت شد.

اعتراف به قتل زن سابق

نادر سرانجام سکوتش را شکست و به قتل زن سابقش اعتراف کرد. وی گفت: من و مبینا سال‌ها قبل با هم ازدواج کردیم و صاحب دو دختر شدیم. اما مدتی قبل به رفتارهای مبینا مشکوک شدم. من گمان می‌کردم او با یک مرد غریبه در ارتباط است اما مبینا منکر این ماجرا بود و ادعا می‌کرد من دچار بدبینی شده‌ام. اختلاف‌های ما تا جایی پیش رفت که از هم جدا شدیم اما به خاطر دو دخترمان با هم در رفت و آمد بودیم. وی در تشریح جزئیات قتل همسر سابقش گفت: آخرین بار دنبال مبینا رفتم و با هم برای تفریح به دماوند رفتیم. ما آنجا با هم مشروب خوردیم و مست شدیم. مبینا روی صندلی عقب ماشین خوابیده بود

که گوشی موبایل او را برداشتم و آن را بررسی کردم. من ناباورانه با عکس و فیلم‌های سیاهی روبه رو شدم که از دیدن آنها شوکه شدم. آنجا بود که پی بردم مبینا از مدتی قبل با دوست صمیمی‌ام اکبر در ارتباط بوده است. من که مست بودم و حال طبیعی نداشتم با ضربه‌های چاقو مبینا را کشتم. سپس جسدش را در گودالی در دماوند دفن کردم. من همان موقع با خوردن قرص دست به خودکشی زدم اما وقتی نیمه‌جان در خیابان افتاده بودم، عابران با اورژانس تماس گرفتند و من زنده ماندم. به‌دنبال اعترافات این مرد، بقایای جسد زن جوان که در گودالی در دماوند دفن شده بود، کشف و به پزشکی قانونی منتقل شد.

افشای رابطه سیاه

مأموران در گام دیگری از تحقیقات سراغ دوست صمیمی نادر رفتند و او را بازداشت کردند. این مرد گفت: چند سالی از ازدواج نادر و همسرش نگذشته بود که برای نخستین بار همسر او را در یک جشن عروسی ملاقات کردم. او زن زیبایی بود که توجه مرا جلب کرد. بعد از مدتی آنها را برای میهمانی به خانه‌ام دعوت کردم اما نادر به تنهایی به خانه‌ام آمد و گفت همسرش قهر کرده و به خانه پدرش رفته است. من آنجا بود که به اختلاف‌های نادر و همسرش پی بردم و برای حل اختلاف‌هایشان با مبینا تماس گرفتم. این تماس‌ها شروع آشنایی ما با یکدیگر بود. آنها به شدت با هم اختلاف داشتند و مبینا از بدرفتاری‌های شوهرش گلایه داشت. من که به مبینا علاقه‌مند شده بودم گاهی با او تماس می‌گرفتم و او با من درد دل می‌کرد. پس از مدتی نادر که متوجه رابطه پنهانی همسرش شده بود از او جدا شد. بعد از جدایی آنها، رابطه من و مبینا با هم بیشتر شد. ما عکس و فیلم‌های مشترکی با هم داشتیم که در گوشی موبایل هم ذخیره شده بود. احتمالاً نادر با دیدن آنها همسرش را کشته است. به‌دنبال اظهارات این مرد، برای نادر به اتهام قتل همسرش کیفرخواست صادر و پرونده‌اش به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا بزودی به جرم وی رسیدگی شود. این در حالی است که اولیای دم برای نادر حکم قصاص خواسته‌اند.